

بسیار خام - را مبنای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع قرار دهند. بنابراین برای این که یک التزام نهادمند در زمینه کاربست علم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع اتفاق افتد، باید تلاشی همه‌جانبه سامان داده شود.

برخلاف آنچه تصور می‌شود، در حال حاضر مشکل ایران کمبود نظارت نیست. تعداد غیرمترعارف دستگاه‌های نظارتی مشکل اصلی است که به واسطه تصورات نادرستی که وجود دارند، توانایی جذب نیروهای کیفی را ندارند و بنابراین نمی‌توان نظارت‌ها را به صورت تخصصی و به‌موقع اعمال کرد.

تأسف و امید

در کنار همه این مشکلات، نقطه امید بسیار بزرگی وجود دارد و آن نقطه امید این است که به محض آغاز اولین جهت‌گیری‌های نادرست دولت، اقتصاددانان نسبت به آن واکنش نشان دادند. اکنون با گذشت حدود سه سال از این اقدام اقتصاددانان مشاهده می‌شود که پیش‌بینی‌های آنان محقق شده است. گرچه از یک طرف مایه تأسف است اما از طرف دیگر مایه امید است. مضمون این امیدواری هم این است که آنچه در حال حاضر در اقتصاد ایران می‌گذرد، در تسخیر علم قرار دارد و ظرفیت‌های کارشناسی موجود اقتصادی در ایران در حدی است که اگر اراده‌ای جدی برای حل و فصل عالمانه مسایل وجود داشته باشد، بتوان با تکیه بر این ظرفیت‌ها مسایل را به شکل منطقی‌تر، کم‌هزینه‌تر و پرستاوردتری جلو برد. ■

قابل تصور نیست. این که در فرآیند اصلاح اقتصادی بحث از تقدم دولت می‌شود، بدین معنا است دولتی که خود ناهنجار رفتار می‌کند، چطور می‌تواند از مصرف‌کننده و تولیدکننده بخواهد که الگوهای مصرف و تولید خود را اصلاح کنند؛ آن هم در دولتی که طی ۱۰ سال گذشته، میانگین شاخص مداخله‌اش در اقتصاد بالای ۸۰ درصد بوده است. بنابراین از هر زاویه‌ای که به این مسأله نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که در صورت وجود یک اراده جدی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور، مناسب‌ترین نقطه عزیمت و زیربنایی‌ترین کار، فراخواندن دولت به علم، قانون، برنامه، کار و انضباط مالی است.

سیگنال‌های غلط از منابع موثق؟

جامعه ما جامعه‌ای در حال توسعه است و مهمترین مشخصه کشورهای در حال توسعه این است که دارای نهادهای ضعیف و بعضاً "کج کارکرد" هستند. چنین نهادهایی دولت را اسیر تصورات نادرست می‌کنند و این اسارت در زمان شکوفایی درآمد نفتی چندین برابر افزایش می‌یابد، زیرا برای سیاست‌گذار این تصور را پیش می‌آورد که گویی تنها تنگنای سیستم ملی، تنگنای منابع ارزی است و بنابراین چون ارز به اندازه کافی وجود دارد، می‌توان هر کاری کرد. مسأله بنیادی دیگری که در همین چارچوب مطرح است، این است که متأسفانه در ایران نهاد علم یک نیروی اجتماعی مؤثر و جدی نیست، بنابراین فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌توانند این ظرفیت و اجازه را به خود دهند که بدون آن که به لحاظ علمی بر کارهای آنها صحه‌ای گذاشته شود، تصوراتی - ولو

طرح‌های مالیاتی - یارانه‌ای دولت

"بیاید مملکت‌مان را دوست بداریم"



دکتر هادی غنیمی فرد، رییس خانه صنعت و معدن، معتقد است در اجرای طرح‌های ضربتی، برخی ملاحظات اجرایی لحاظ نشده است.

تأمین می‌شود که درصوبی از آن به صورت یارانه به جامعه برگشته است. هدفمند کردن یارانه‌ها، یک منبع درآمدی جدید نیست و در اصل، هدفمندی یارانه‌ها، به نوعی کور کردن بخشی از مخارج دولت است و لازم نیست برای آن جایگاه جدیدی تعریف کرده و از آن بدتر، جهت خرج کردن آن برنامه‌ریزی کنیم. در واقع ما باید جلو هزینه‌های اضافی را بگیریم، نه به فکر منابع جدید درآمد و هزینه‌های جدید باشیم. پس دولت پولی را که بابت یارانه می‌دهد از جای دیگری غیر از خود ما به دست نمی‌آورد. در واقع این یک حرکت چرخشی است که در همین دریافت و پرداخت‌ها، بخشی از آن هدر می‌رود و بخشی خرج اضافه می‌شود و نهایتاً به دست فرد مورد نظر هم نمی‌رسد.

یک عیب بزرگ در کشور ما که بعد از انقلاب هم تشدید شد، وجود طرز تفکر تمرکزی بود. یعنی در ایران، همه دولت‌ها بر این باورند که تمام درآمدها و خرج‌های کشور را باید خود به دست گیرند. این درست نیست، چرا که دولت نوکر مردم است و اگر با این مطالب به صورت منطقی و واقعی مواجه شویم، آن وقت دولت متوجه جایگاه اصلی خود یعنی خدمت‌گزاری می‌شود. راه‌حل این اتفاق آن است که همگی مملکت‌مان را دوست بداریم. این موضوع مربوط به قشر یا افراد خاصی نمی‌شود، بلکه باید تمامی افراد جامعه از یک کارگر ساده تا بالاترین رده‌های کشور، خالصانه مملکت خود را دوست داشته باشند. همگی باید بدانیم جوانی که بیکار است، فرزند همه ما است. متأسفانه حتی در مواردی شاهد آن هستیم اگر فردی هم می‌خواهد کار مثبتی انجام دهد، جلو راهش مانع تراشی می‌کنیم. تنها

هدفمندسازی یارانه‌ها که به یک جراحی عمیق اقتصادی تعبیر می‌شود، به همان سادگی که برخی افراد تصور می‌کنند، صورت نخواهد گرفت. یک برنامه‌ریزی زنده زمانی موفق خواهد بود که لحظه به لحظه مورد بررسی قرار گیرد و ابهامات پیش آمده در روند بررسی آن اصلاح شوند. نباید تا پایان زمان در نظر گرفته‌شده در برنامه، با هدر رفتن منابع باارزش کشور، انتظار افزایش بازدهی طرحی را داشت که ابهامات آن به قوت خود باقی هستند. لذا در این راستا لازم است دولت به صورت خشک برخورد نکند و جایی که اصلاح لازم باشد، به انجام آن تن در دهد. در این میان طولانی شدن مدت تصویب لایحه هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند تأثیری منفی از خود برجای بگذارد که این امر، دولت را مجبور به تخطی از برخی موارد مندرج در لایحه و حتی سایر برنامه‌ها می‌کند. ما در دوران دولت آقای هاشمی به این قضیه برخورد کردیم. در آن زمان، مقدار زیادی برنامه ارائه شد که اکثراً مفید و دارای توجیه اقتصادی بودند، ولی ناگهان وارد یک دوران تعطیلی فعالیت شدیم که نتیجه آن نیمه‌کاره ماندن برنامه‌هایی بود که با حذف هزینه‌های گزاف آغاز شده بودند. گذشت زمان باعث شد دیگر برنامه‌های مذکور، توجیه اقتصادی نداشته باشند و در واقع، منابع کشور به دلیل تأخیر در اجرایی شدن برنامه‌ها هدر رفتند.

اصلاً یارانه چیست و از کجا پرداخت می‌شود؟

نکته مهم در بُعد تأمین مالی منابع یارانه‌ها این است که دولت ابتدا پول و سرمایه‌ای را که متعلق به خود ما است، می‌گیرد و بعد، مقداری از آن را به صورت یارانه از طرق مختلف بین مردم تقسیم می‌کند. مالیات، عوارض، درآمد نفت و سایر منابع، همگی از جیب مردم

دریافت می‌کند، باید برای هزینه اجرای طرح در نظر بگیرد به علاوه در قانون اساسی کشور آمده که هیچ‌کس را نمی‌توان برخلاف میلش به انجام کاری مجبور کرد. اجرای طرح مذکور به این معنا است که فروشنده نهایی که دریافت‌کننده مالیات است، به نوعی مأمور مالیاتی دولت خواهد بود و این برخلاف خواسته افراد است. حال آن که اگر همه سازمان‌ها و افراد به درستی به وظایف خود عمل می‌کردند، نیازی به اتخاذ شیوه‌های اینچنینی نبود.

خدا به داد اجرا برسد!

در بیشتر مواقع، عیوب یک طرح در مرحله اجرا خودنمایی می‌کند و فکر و تئوری ممکن است خالی از عیب باشند؛ هرچند در این میان می‌توان با مطالعه و بررسی دقیق به پیش‌بینی‌های نسبتاً درستی رسید. یکی از موارد مهمی که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، بحث نحوه نظارت بر اجرای صحیح طرح‌های دولت در سطح جامعه است. به عنوان مثال برای کالاهای مصرفی روزانه مردم، این که تا چه حد، درصد سهم یارانه از قیمت آن کالا درست محاسبه شده باشد و آیا به همان میزان و با سازوکار معین، این مبلغ از محاسبات کسر خواهد شد، موضوع مهمی است. این که از همین الان گروهی از فروشندگان روند فزاینده افزایش قیمت‌ها را آغاز کرده‌اند، نیازمند افزایش بُعد نظارتی دولت برای جلوگیری از عواقب اجرای طرح است.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در سطح عموم جامعه در کنار اجرای دقیق و با نظارت طرح‌هایی که برای سلامت جامعه مفید هستند، به‌علاوه استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی در اجرای امور در شرایط اقتصادی خطیر کنونی جامعه ضروری و انکارناپذیر است. ■

با این فرهنگ و احساس است که هر کسی وظیفه خود را در قبال کشور خود می‌داند و بهترین ابزار ممکن را جهت اصلاح وضع موجود جامعه در اختیار می‌گیرد. در این صورت است که همه افراد به دنبال توسعه و آبادانی کشور خواهند رفت و به سادگی در پروسه رشد کشور مشارکت فعال خواهند کرد.

در حال حاضر، بنزین مصرفی اروپا برعکس ایران با هزینه‌های گزافی به دست می‌آید و با قیمت بالایی هم به فروش می‌رسد. بخش عمده‌ای از یارانه پرداختی کشور که بالغ بر ۹۵ درصد کل یارانه‌ها را شامل می‌شود، به حامل‌های انرژی اختصاص دارد. بحث اسراف و هدروری انرژی در کشور ما جدی است و متأسفانه مردم نسبت به این مقوله کاملاً بی‌تفاوت شده‌اند. ارزانی و دسترسی آسان به این منابع، علت اصلی هدررفت انرژی و تحمیل هزینه‌های فراوان به کشور است. این امر در صورتی که همگان به همان اصل مسؤلیت‌پذیری در قبال کشور بازگردند، مسیری صعب نخواهد بود. اینها بخشی از مباحثی است که باید در بحث هلفمندی یارانه‌ها مدنظر داشته باشیم.

طرح هلفمندی یارانه‌ها برنامه‌ای خوب و منطقی است، به شرطی که تماماً مراقب باشیم که به بیراهه نرود، چراکه به دنبال اجرای مناسب این طرح می‌توان بسیاری از مسایل حال و آینده کشور را سامان داد.

در این بین مسایلی مطرح است که اشاره به برخی از آنان خالی از لطف نیست. دولت در سال‌های اخیر اجرای فعالیت‌هایی را بر عهده گرفته که بیشتر نشان از خامی طرح‌ها و مراحل اجرایی آنها دارد. یکی از این موارد، اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده است. اجرای چنین طرحی نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و شرایط مناسب‌تری بود که به آنها توجه کافی نشد. دولت برای اجرای این طرح، بیش از مبلغی که به عنوان مالیات بر ارزش افزوده

سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي در ايران

مزیت‌ها قربانی ریسک‌های سیاسی

مسایل سیاسی، محیط کشور را از بُعد ریسک سرمایه‌گذاری تاریک نشان می‌دهد، اما مزیت‌های اقتصادی موجود و سوسه‌انگیز هستند.

کشور ما به علت وجود منابع و ذخایر چشمگیر زیرزمینی، شرایط مساعد جغرافیایی و تنوع آب‌وهوایی، نیروی انسانی جوان و مولد و همچنین بازار تولید و مصرف گسترده از پتانسیل ویژه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی (FDI) برخوردار است، ولی متأسفانه علیرغم قدمت قابل توجه ورود این‌گونه سرمایه‌ها به کشور، در مقایسه با برخی از کشورها که در دهه‌های اخیر زمینه‌های ورود سرمایه‌های خارجی را در کشورشان ایجاد کرده‌اند، همواره با توجه به مزیت‌های مذکور در سطحی بسیار نازل بوده‌ایم. دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس و دسترسی به منابع نفت و گاز ارزان از لحاظ قیمت تمام‌شده، یکی دیگر از جاذبه‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران بوده که توجه بیشتری را از سوی مسؤولان امر می‌طلبد. از آنجا که در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی لازم است سرمایه‌گذار خارجی در ایران حضور فیزیکی داشته باشد و با کنترل مستقیم واحد مورد سرمایه‌گذاری، مسؤلیت مالی و در واقع سود و زیان آن را به عهده گیرد، لذا از اقدامات ابتدایی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور، فراهم آوردن زمینه‌های این حضور می‌باشد.

گزارشات منتشره از سوی آنکتاب، به روشنی فاصله میان پتانسیل‌های موجود در ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عملکرد کشور را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

در این گزارش، کشور ما در میان ۱۴۱ کشور مورد بررسی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ از لحاظ شاخص پتانسیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ترتیب در جایگاه ۶۱ و ۶۰ قرار گرفته، در حالی که براساس شاخص عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در



هر دو سال مذکور رتبه ۱۳۳ را کسب کرده‌ایم. در زمینه حجم ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، همواره آمارهای متفاوتی از سوی مراکز آماری داخلی و خارجی ارائه شده که از موارد وجود تفاوت مذکور می‌توان به این مورد اشاره کرد که در ایران به محض حضور یک شرکت خارجی که قصد انجام سرمایه‌گذاری را دارد، بدون توجه به عملیاتی شدن طرح این سرمایه‌گذاری و در واقع تنها با مطالعاتی شدن آن، این سرمایه‌گذاری تحت عنوان ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور ثبت می‌شود. گزارشات منتشره از سوی آنکتاب هم در هر سال نسبت به سال قبل مورد اصلاح قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند، لذا بررسی روند تغییر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سال‌های مختلف مناسب‌تر است.

به هر حال، طبق جدیدترین گزارش آنکتاب که در سال جاری منتشر شد، ارقام ۱/۶۵۸ و ۱/۴۹۲ میلیارد دلار به ترتیب برای سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی ورودی به ایران ثبت شده است.

با توجه به ضعف کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چشم‌انداز روشنی پیش‌روی اقتصاد ایران نیست. یکی از موضوعاتی که باعث نگرانی کارشناسان شده، فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات صنعت نفت - به عنوان شاهرگ حیات اقتصادی کشور - است که متأسفانه به میزان کافی جهت بازسازی و ارتقای این صنعت در کشور